

چند خبر از کارگران گیلان فعالان ضد سرمایه داری گیلان

ایران برک

این کارخانه در کیلومتر ۵ جاده رشت - لاکان و جنب کارخانه نساجی پارس ایران قرار دارد. کارخانه وابسته به بخش خصوصی است و کارفرمای آن ضربی نام دارد. کارخانه دارای ۲۶۰ نفر کارگر است. کارگران در سه شیفت مشغول به کار هستند. محصولات نساجی کارخانه در کارخانه دیگری به نام نوپوش در شهر صنعتی رشت تبدیل به کت و شلوار و پیراهن می شود. نکته مهم این است که کارگران بیشتر از ۶ ماه است که حقوق و دستمزد نگرفته اند، در حالی که بارها به دفتر کارخانه در تهران و نهادهای دولتی از قبیل استانداری، صنایع و معادن اداره کار و تامین اجتماعی و ... مراجعه کرده و هیچ نتیجه ای نگرفته اند. کارگران در بحران شدید مالی به سر می برند، در حالی که کارخانه در سه شیفت مشغول تولید است.

خزرالکترونیک

این کارخانه در شهر صنعتی رشت واقع است. قبلاً نام این کارخانه خزر تفلون بود. خانجانی ضد کارگر مدیر عامل کارخانه است. محصولات کارخانه، جاروبرقی، کولر آبی ... است که به تهران فرستاده می شود. در کارخانه ۱۰۰ کارگر مشغول به کار هستند که ۴۰ نفر آن ها استخدامی دائم و ۶۰ نفر با قرارداد موقت کار می کنند. تعدادی از کارگران قراردادی که با بالا رفتن سطح تولید به کار گماشته شده بودند پس از فروش کالاهای تولیدی و پایین آمدن راندمان تولید اخراج شدند. در حال حاضر کارخانه در ۲ شیفت ۱۲ ساعته با اضافه کاری مشغول فعالیت است. سطح دستمزدها طبق مصوبه اداره کار است.

شرکت خدماتی سبز زیور

شرکت خدماتی سبز زیور به مدیریت جمشیدی ضدکارگر، که برای شهرداری منطقه یک رشت کار می کند، همچنان از پرداخت اضافه کاری معوقه کارگران سر باز می زند و کارگران همچنان با شرایط سخت و غیرانسانی این شرکت مشغول به کارند. جالب آن که کارگران پیاده و گاه با دوچرخه یا موتورسیکلت و با استفاده از کیسه زباله ها را جمع می کنند. در این مورد، پیشنهاد می شود مدال شیوه بهینه استثمار و صرفه جویی به نفع سرمایه را به جمشیدی ضدکارگر به خاطر این ابتکارش اهدا کنند. قابل ذکر است که کارگران این شرکت بیش از ۹ ماه اضافه کاری ماهیانه به طور متوسط ۲۰۰ هزار تومان را دریافت نکرده اند و هر یک حدود یک میلیون و هشتصد هزار تومان طلبکارند. آن ها در روز حداقل ۱۲ ساعت کار می کنند. قرارداد کارگران منطقه یک گلزار با شرکت سبز زیور تا ابتدای دیماه ۱۳۸۹ است و بعد از آن معلوم نیست چه می شود.

اخراج کارگر فولاد گیلان

فرزاد نیرثابتی با ۵ سال سابقه کار در رانندگی تریلر در کارخانه فولاد گیلان واقع در شهر صنعتی رشت حدود ۲ ماه پیش اخراج شد. وی پس از شکایت به اداره کار با حداقل دستمزد کارگری ماهی ۳۰۳ هزار تومان و ۵ سال سابقه با دریافت ۱/۵۰۰/۰۰۰ تومان با چشمانی اشکبار بدون حمایت سازمان ها و گروه های کارگری و بدون برخورداری از وکیل از کار اخراج شد. کارخانه تولید فولاد گیلان دارای ۸۰۰ کارگر است که در دو بخش فولاد سرد و فولاد گرم در حال فعالیت هستند. مدیر داخلی این کارخانه فردی ضدکارگر به نام رزاز است. مدیر عامل و سهامدار کارخانه رسول دانیال زاده است که در دفتر کارخانه در تهران به سر می برد. او که قبلاً در کارخانه ساوه فعالیت می کرد به دلیل خوش خدمتی و انتصاب در دولت با فروش ضایعات کارخانه و عبور آهن آلات و ورقه های استاندارد و شمش فولاد توانست به ثروت هنگفتی برسد و از سهامداران کارخانه شود. وی دارای ۲۰ سال سابقه کار در کارخانه فولاد ساوه است. برادر او، مجید دانیال زاده، با ایجاد سایت خرید و فروش ضایعات خارج کردن آهن به عنوان ضایعات به سرقت خود ادامه داد، اما از کارخانه اخراج شد. جعفر دانیال زاده، برادر دیگر وی، با راه اندازی

کارگاه برشکاری در پشت کارخانه توانست آهن و فولاد را به عنوان ضایعات از کارخانه خارج کرده و به ثروت هنگفتی دست یابد. در این مورد، خانجانی ضدکارگر نیز همدست او بوده است.

کارگر (راننده تریلر) اخراجی با توجه به پرداخت ماهیانه ۲۰۰ هزار تومان کرایه خانه چگونگی با این بار بیکاری می تواند هستی و زندگی خود را پیش ببرد؟ علت اخراج این کارگر این بود که امیری پور مسئول لیفت تراک و ماشین آلات داخلی در بخش فولاد گرم به وی توپید که چرا در این منطقه و در حال گذراندن وقت به بطالت هستی؟ وی گفت مسئول قسمت خود است نه مسئول قسمت ماشین آلات ترابری سنگین. این پاسخ به عنصر ضدکارگر یعنی امیری پور برخورد و او با اعمال نفوذ عامل اخراج این کارگر مبارز شد. حاصل شکایت او به اداره کار (درواقع اداره تامین منافع سرمایه) چیزی جز باز خرید ۵ سال سابقه کار و چشمانی اشکبار نبود، نمونه ای از عدالت اسلامی در جامعه سرمایه داری ایران.

کارگران واگن پارس در ادامه

اعتراضاتشان ۱۳ مهر مقابل مجلس

اجتماع کردند

اتحادیه آزاد کارگران ایران - بنا به گزارشی از سایت خبرگزاری مجلس کارگران شرکت واگن پارس اراک در ادامه مبارزات ۲ سال گذشته جهت دریافت حقوق و مطالباتشان، امروز تجمع اعتراضی در مقابل مجلس داشتند. شرکت واگن پارس در سال ۱۳۵۴ تاسیس گردید و شروع به ساخت انواع واگن های قطار کرد و در سال ۱۳۶۴ با سرمایه گذاری سازمان صنایع و نوسازی ایران به یکی از زیر مجموعه های این سازمان پیوست. کارخانه شرکت واگن پارس به مساحت ۳۳ هکتار و در شهر صنعتی اراک واقع شده است. شرکت واگن پارس یکی از شرکت های بزرگ دولت بود که پس از واگذاری به بخش خصوصی توسط دولت احمدی نژاد در راستای تحقق اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی دچار بحران شد و ۲ سال است که حقوق کارگران این شرکت پرداخت نشده است و طی

این دوسال کارگران تجمعات اعتراضی متعددی داشتند.

ادامه اعتصاب و اعتراض کارگران کیان تایر

اتحادیه آزاد کارگران ایران - بدنبال اعتصاب کارگران کیان تایر که از روز شنبه دهم مهر ماه آغاز شد و منجر به یورش کارگران به مدیران کارخانه و اخراج آنان از محل کارخانه شد این کارگران روز دوشنبه هفته جاری با برگزاری یک مجمع عمومی نماینده های خود را به شورای تامین استان جهت مذاکره اعزام کردند.

بنا بر این گزارش در این مذاکره اعضای شورای تامین استان تهران از این کارگران خواستند یا سه ماه به بیمه بیکاری متصل بشوند تا تکلیف کارخانه معلوم بشود یا تعطیلی کامل کارخانه را بپذیرند و یا با همین وضعیت موجود در کارخانه کیان تایر بسازند. در این مذاکره همچنین به نماینده های کارگران قول داده شد: ۱- بلافاصله ۵۰ درصد دستمزد شهریور ماه کارگران را به حساب آنها واریز خواهند کرد ۲- روز شنبه ۱۷ مهر ماه بیمه های عقب افتاده آنان واریز خواهد شد ۳- طی هفته آینده ۴۵ تن مواد اولیه برای ادامه کار به کارخانه وارد خواهند شد. بر اساس آخرین گزارشهای دریافتی توسط اتحادیه آزاد کارگران ایران دیروز چهارشنبه ۱۴ مهر ماه ۵۰ درصد دستمزد کارگران کیان تایر به حسابهای آنان واریز شد و این کارگران همزمان اقدام به برگزاری یک مجمع عمومی بزرگ کردند.

در این مجمع، کارگران و نماینده های آنان به بحث و تبادل نظر در مورد وضعیت خود پرداختند و نهایتاً تصمیم گرفتند تا پرداخت حق بیمه هایشان توسط کارفرما و ورود ۴۵ تن مواد اولیه همچنان به اعتصاب خود ادامه دهند و تصمیمات قطعی تر را به بعد موکول کردند.

20 هزار جوان در شرق گلستان بیکار هستند

خبرگزاری مهر - نماینده مردم شهرستانهای مینودشت، گالیکش، کاله و مراوه تپه در مجلس گفت: ۲۰ هزار جوان در شرق استان گلستان بیکار بوده و جویای کار هستند. به گزارش خبرنگار مهر در گرگان، سید نجیب حسینی پیش از ظهر پنجشنبه در نشست فرمانداری مینودشت افزود: مشکلات ناشی از واگذاری عرصه های ملی برای توسعه بخش کشاورزی از دیگر مسائلی است که نیازمند پیگیری ویژه است. فرماندار شهرستان مینودشت، تامین آب آشامیدنی، راه و گاز رسانی به روستاها را از مهمترین مشکلات این شهرستان مطرح کرد.

محمد عجم پیگیری اختصاص ۱۰ میلیارد تومان اعتبار در خصوص اجرای هشت طرح آبرسانی به روستاهای شهرستان مینودشت تسریع در روند ساخت بزرگراه آزادشهر به جنگل گلستان و کنار گذر گالیکش و همچنین تخصیص اعتبار برای تکمیل طرحهای عمرانی بیمارستان ۹۶ تختخوابی، گازرسانی به ۴۸ روستا و احداث سد نرماب چهل چای را ضروری دانست. حجت الاسلام سید حسین حسینی امام جمعه مینودشت نیز با تشریح فعالیت های حوزه علمیه و تشکلهای فرهنگی این شهرستان تامین بودجه برای برنامه های فرهنگی و تکمیل طرحهای عمرانی مصلی نماز جمعه و مسجد جامع این شهرستان را راهبرد تاثیرگذار برای رفع مشکلات فرهنگی ذکر کرد.

اخراج ۴۰ کارگر کارخانه لوله سازی خوزستان با بیش از ۲۲ سال سابقه

ایران کارگر - ۴۰ نفر از کارگران کارخانه لوله سازی خوزستان علیرغم اینکه ۱۵ ماه حقوق معوقه خود را هنوز دریافت نکرده بودند، در هفته گذشته اخراج شدند. یکی از کارگران لوله سازی خوزستان در این رابطه به ایران کارگر گفت: "هر کارگر قراردادی ۱۸ ماه و هر کارگر رسمی ۱۵ ماه حقوق طلب داریم، اما مقامات و صاحب شرکت که دستشان در دست هم میباشد به شکل های مختلف ما را سر میدوانند و تا جایی که تیغشان برود علیه کارگران کار میکنند. کما اینکه هفته گذشته ۴۰ کارگر که همگی دارای سابقه بیش از ۲۲ سال کار در این شرکت بوده اند را از

کار اخراج کرده اند. این در حالی صورت میگیرد که هرکدام از این کارگران ۱۵ ماه تا ۱۶ ماه حقوق هم طلبکار هستند و قاعدتا باید ریل باز نشستگی را نیز طی میکردند."

توقفگاه سامانه ۲ تندرو (بی آر تی)

توسط نماینده دادستان تهران پلمپ شد

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران - صبح روز چهارشنبه ۱۴ مهرماه توقفگاه سامانه ۲ تندرو (بی آر تی) شرکت واحد اتوبوس رانی تهران که در استادیوم آزادی واقع است توسط نماینده دادستان تهران پلمپ گردید و از خروج اسناد و وسایل شخصی کارکنان شرکت واحد شاغل در این سامانه جلوگیری بعمل آمد. با پلمپ شدن توقفگاه سامانه ۲ امشب بیش از ۳۰۰ دستگاه اتوبوس خط آزادی - خاوران خارج از توقفگاه مجبور به پارک خواهند بود. همچنین بیش از ۱۰۰۰ دستگاه اتوبوس گاز سوز و ۹۰۰ دستگاه اتوبوس دیزلی قادر به سوختگیری نخواهند بود.

مامورین وزارت اطلاعات به کارکنان شرکت واحد که در این سامانه مشغول به کار بودند اجازه خروج وسایل شخصی را به آنها ندادند. توقفگاه سامانه ۲ در سال ۱۳۷۹ در ازای بدهی ورزشگاه آزادی به شرکت واحد بابت هزینه های سرویس دهی به تماشاچیان و خسارت به اتوبوسهای شرکت واحد به این شرکت واگذار شده بود.

دلایل پلمپ کردن این توقفگاه توسط دادستانی تهران هنوز نامشخص می باشد ولی در گزارشهای تکمیلی به اطلاع عموم خواهد رسید.

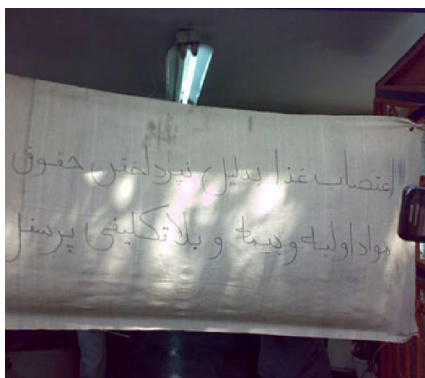
اعتصاب حمایتی در بنادر نیویورک و نیوجرسی

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری (فریده ثابتی) - در اول ماه اکتبر ۲۰۰ کارگر بندر فیلادلفیا در معرض از دست دادن شغل خود قرار گرفتند. آن ها رفقای کارگر خود را در بنادر نیویورک و نیوجرسی به کمک فراخوانند. به همین سبب کارگران بندر نیویورک و نیوجرسی یک اعتصاب حمایتی را سازمان دهی کردند. در روز سه شنبه ۲۸ سپتامبر بخش بارگیری این بنادر که در آن ها کالاهای متعددی از لباس و مبل تا اتومبیل و نوشیدنی بارگیری و

بار این تعطیلی نرفتند و با بیرون کردن مدیریت از کارخانه اعلام کردند تا رسیدن به خواسته‌های خود کارخانه را ترک نخواهند کرد.

کارگران کیان تایر خواهان پرداخت چهار ماه از دستمزدهای معوقه خود از سالهای گذشته و دستمزد شه‌ریوماه سال جاری و پرداخت حق بیمه‌های خود هستند که از تیر ماه امسال به سازمان تامین اجتماعی پرداخت نشده است و همین امر باعث شده تا این سازمان از تمدید اعتبار دفترچه‌های درمانی کارگران خودداری کند. کارگران کیان تایر می‌گویند مدیریت کارخانه با سهل انگاری در تهیه مواد خام برای تولید، سعی در تعطیلی کارخانه نیز دارد. کارگران کیان تایر اعلام کرده اند علیرغم مقدار بسیار ناچیز مواد اولیه برای تولید، محل کارخانه را ترک نخواهند کرد و به اعتصاب و اعتراض خود تا رسیدن به خواسته‌هایشان ادامه خواهند داد و در این میان دولت را مسئول وضعیت موجود خود میدانند که باید پاسخگو باشد.

گزارش تصویری اتحادیه آزاد کارگران ایران از اعتصاب و اعتراض کارگران کیان تایر



تخلیه می شود بسته ماند. آن‌ها به تقاضای حمایت رفقای کارگر خود پاسخ مثبت دادند و یکی از زیباترین شکل‌های همبستگی کارگری را نشان دادند. حمایت کسی که کار می‌کند از کسانی که کارشان را از دست می‌دهند و یا کسانی که بیکارند یا بیکار شده اند جلوسوء استفاده سرمایه داران از ارتش بیکاران را می‌گیرد. چون این کارگران از قبل مساله را اعلام نکرده بودند، کارفرما این اعتصاب را وحشی یا غیرقانونی نامید. اما پاسخ سخنگوی اتحادیه در مورد این اعتصاب مضحک تر از گفته‌های کارفرما بود. او گفت این فقط یک وقفه در کار بود و نباید آن را تحریم کار خواند و غیرمجاز اعلام کرد.

نجات معدنچیان شیلی تا سه هفته دیگر

سایت گزارشگران - در شیلی مسئولان حفاری می‌گویند که تنها ۲۰۰ متر دیگر مانده تا به معدنچیان برسند که نزدیک به دو ماه است زیر زمین گرفتار شده‌اند. به گفته این مسوولان عملیات نجات معدنچیان احتمالا تا ۳ هفته دیگر به پایان می‌رسد که زودتر از زمان پیش بینی شده است. در حالیکه معدنچیان زیر زمین چشم به راه هستند، روی زمین همکارانشان در اعتراض به پرداخت نشدن حقوقشان راهپیمایی می‌کنند.

اعتصاب رانندگان مسکن مهر سندج

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری - روز چهارشنبه مورخ ۱۴/۷/۱۳۸۹ رانندگان مسکن مهر سندج واقع در ویلا شهر از ساعت ۸ صبح در پی دست‌یابی به مطالباتشان دست به اعتصاب زدند. پرداخت حقوق معوقه ۴ ماهه، لغو کار اجباری و شیفت اجباری شبانه که کارفرما برای آن مزد شیفت روزانه را پرداخت می‌کند از خواست این رانندگان بوده و اعلام کرده‌اند که تا زمان دست‌یابی به حقوق و مطالباتشان به اعتصاب ادامه خواهند داد.

اعتصاب و درگیری کارگران کیان تایر با مدیریت کارخانه

کارگران تجمع‌کننده مدیران کارخانه را مورد حمله قرار داده و با بیرون کردن آنان، کارخانه را در اختیار خود گرفتند اتحادیه آزاد کارگران ایران - کارگران کیان تایر از صبح دیروز شنبه دهم مهر ماه در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای معوقه خود و سایر مشکلات موجود در کارخانه دست به اعتصاب زدند اما مدیریت کارخانه هیچگونه توجهی به خواسته‌های آنان نکرد و همین امر باعث شد کارگران ضمن تداوم اعتصاب خود، از صبح امروز یازدهم مهر ماه دست به تجمع در مقابل انتظامات کارخانه بزنند و در ادامه، ظهر امروز از خوردن غذای کارخانه خودداری کرده و اعتصاب غذا کردند. بنا بر این گزارش با تشدید اعتراض کارگران، مدیریت کارخانه بناچار جلسه‌ای را امروز بعد از ظهر با نماینده‌های کارگران برگزار کرد و سپس با حضور در میان کارگران تجمع‌کننده و دادن وعده و وعید از آنان خواست تا بر سر کارهای خود بازگردند که با اعتراض کارگران مبنی بر اینکه، گوشه‌های ما از این حرفها پر شده است مواجه گردید. بدنبال این وضعیت مدیر کارخانه شروع به تهدید کارگران و استفاده از نیروی نظامی در محیط کارخانه کرد که با اعتراض شدید کارگران مواجه شد و یکی از کارگران فریاد برآورد: مگر یک کارگر به غیر از حق و حقوقش از شما چه میخواهد، ما مشکل داریم، ما نمیتوانیم زندگی کنیم و در ادامه از شدت بغض و ناراحتی به یکباره نقش بر زمین شد و از هوش رفت. همین امر بعلاوه تهدیدهای مدیریت، کارگران را چنان به خشم آورد که بطور یکپارچه‌ای مدیران حاضر در آنجا را مورد حمله قرار دادند و با بیرون کردن آنان از کارخانه، کارخانه را در اختیار خود گرفتند. بنا بر اظهار کارگران کارخانه کیان تایر مدیریت کارخانه تلاش میکرد کارگران را به تعطیل کردن کارخانه تا روز چهارشنبه مجاب کند تا بدین نحو مانع تداوم اعتراض آنان شود اما کارگران زیر

در ایران تنها ۴۸ میلیون نفر زیر خط فقرند

عصیانگر

در حالیکه محمود احمدی نژاد و علی خامنه‌ای در سخنان اخیر خود مکرر به وضعیت نابسامان اقتصادی و اجتماعی در ایالات متحده امریکا اشاره می‌کنند، آمارهای داخل ایران، حکایتی اسفناک و شومی را به خصوص در سالهای اخیر به نمایش می‌گذارند.

سایت جهان در مقاله‌ای زیر عنوان “اصولگرایان! برای عدالت حداقل فاتحه بخوانید” اشاره‌ای به فراموش شدن واژه عدالت کرده است و آمار و ارقامی از بی‌عدالتی‌های فاحش را در معرض دید مخاطب قرار داده است. در بخشی از این مقاله می‌خوانیم:

به طور نمونه مطابق با آمار رسمی حدود ۴۸ میلیون نفر از ایرانیان یعنی حدود دو سوم خانواده‌ها درآمد ماهیانه‌ای کمتر از ۸۰۰ هزار تومان داشته و زیر خط فقر محسوب می‌شوند. این در حالیست که استفاده از خودروهای گرانبیست خارجی که متوسط بهای آن در بازار ایران بیش از سی میلیون تومان است، به سرعت افزایش یافته و طی ۵ سال گذشته بیش از ۲۵۰ هزار خودروی خارجی وارد کشور شده است و در صورتی که خودروهای گرانبیست داخلی با قیمت سی میلیون تومان به بالا را به این میزان بیفزاییم، تعداد خودروهای لوکس در کشور طی ۵ سال گذشته به بیش از ۴۰۰ هزار خودرو بالغ می‌شود.

طبیعی است این حجم عظیم از خودروهای لوکس تنها مورد استفاده سرمایه داران سنتی و طبقه ثروتمند جامعه نبوده و تعداد این قشر همچون گذشته در حد چند ده هزار خانواده است و بخش عمده طبقه مرفه فعلی افراد جدیدی هستند که به مدد سیاستهای نادرست اعمال نفوذ و استفاده از ضعف مدیریت موفق به کسب اموال نجومی و ثروتهای هنگفت در زمانی کوتاه شده‌اند.

هرچند دولت با تبلیغات گسترده، دست به افزایشهایی در حقوق کارمندان و بازنشستگان زده، شتاب بیشتر تورم در همین مدت باعث



عدم پرداخت دستمزد کارگران نورد نورد لوله و پروفیل صفا

یکی از کارگران این کارخانه بینائی خود را بر اثر حادثه ای دلخراش از دست داد

اتحادیه آزاد کارگران ایران- کارگران نورد لوله و پروفیل صفا از اول مرداد ماه تاکنون دستمزدهای خود را دریافت نکرده‌اند و کارفرما از واریز حق بیمه این کارگران نیز خودداری کرده بود که هفته گذشته فقط حق بیمه مرداد ماه را واریز کرد. تحمیل عدم پرداخت دستمزدها و حق بیمه این کارگران در حالی در این کارخانه صورت میگیرد که سوانح کاری نیز در آن بیداد میکند. بنا بر این گزارش ماه گذشته یکی از کارگران این کارخانه در حالی که مشغول فرزکاری سطح یک لوله بود سینیکی از پشت سر بر روی وی سقوط کرد و سنگ فرز فک وی را تا نیمه شکافت و با سقوط این کارگر بر زمین، سنگ فرز بر گوی وی نیز اصابت کرد و باعث قطع یکی از رگهای حیاتی گردن این کارگر شد. بدنال این حائنه سایر کارگران به کمک کارگر حادثه دیده شتافتند و با آمبولانس وی را راهی یکی از بیمارستانهای تهران کردند. شدت این حادثه به حدی بود که این کارگر پس از سه روز بهوش آمد و اینک بر اثر این حادثه بینائی خود را از دست داده است. بنا بر اظهار کارگران کارخانه نورد لوله و پروفیل صفا، این کارگر، یکی از کارگران قرارداد موقت کارخانه است که در بخش خدمات مشغول بکار بود و روز حادثه علیرغم نداشتن مهارت فنی و نبود استوپر بر روی لوله‌ها، به اجبار به کار با فرز بر روی لوله گمارده شده بود.

شده که شکاف درآمد و هزینه این اقشار بیشتر شود.

تصمیمات غیر کارشناسی و غیرمنتظره نظیر افزایش ۱۵۰۰ درصدی تعرفه موبایل و سپس کاهش آن بعد از دو سال افزایش، کاهش شدید تعرفه آهن، تغییر قیمت مکرر سیمان و ایجاد سهمیه های رانتی، تغییرات بیشمار در ممنوعیت و آزادی واردات مواد غذایی و میوه و اخیرا تغییرات شدید در قیمت ارز و طلا در اقتصاد بیمار ایران، حامل سود سرشاری برای دلان و رانتخواران بوده است. آن هم در زمان قدرت دولتی که با شعار مبارزه با بی عدالتی و رانتخواران به قدرت رسیده و در زمان آن ایران به بهشت رانتخواران تبدیل شده است.

تحول جامعه در گرو انقلاب علیه سرمایه است

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

جامعه ایران با انقلاب سال ۱۳۵۷ نشان داد که به تحول و دگرگونی نیاز دارد. در آن زمان، تمام نیروهای ارتجاعی نه فقط در ایران بلکه در سراسر دنیا با هم دست اتحاد دادند و مانع این تحول و دگرگونی شدند، زیرا این امر منافع آن ها را به خطر می انداخت. این نیروها البته همه با هم اختلاف هم داشتند و هر کدام می کوشید دیگری را کنار بزند و سهم بیشتری از غنائم ناشی از ممانعت از تحول را به چنگ آورد. اما همه آن ها در اصل و اساس این ممانعت اتفاق نظر داشتند و به جان کوشیدند که از دگرگونی اساسی جامعه ایران جلوگیری کنند. اما ویژگی این ممانعت از دگرگونی در مورد ارتجاع داخلی آن بود که خود را به شکل همراهی با دگرگونی و انقلاب نشان می داد، چرا که توان ایستادن در برابر موج بنیان کن انقلاب را نداشت. ارتجاع داخلی به ناچار می

بایست

با انقلاب همراهی کند و حتی در آتش آن بدمد تا بتواند سوارش شود و آن را به مسیر مورد نظر خود بیندازد، مسیری که چیزی جز حفظ سرمایه یعنی رابطه خرید و فروش نیروی کار و تولید ارزش اضافی نبود. تمام نیروهای دنیای سرمایه داری اعم از داخلی و خارجی، به رغم اختلافاتشان، در این که جامعه ایران این مسیر را طی کند با هم متحد و متفق القول بودند. از نظر داخلی، در سال های نخست انقلاب، تمام هم و غم جریانی که بر امواج انقلاب سوار شد و به قدرت رسید این بود که رابطه سرمایه را از گزند انقلاب حفظ کند. سرکوب آزادی های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی، یورش به کردستان و ترکمن صحرا، اشغال سفارت آمریکا و حذف دولت موقت بازرگان از قدرت، جنگ ایران و عراق، خلع بنی صدر از ریاست جمهوری، سرکوب احزاب و سازمان های اپوزیسیون و بازداشت و حبس و اعدام اعضای آن ها همه و همه اقداماتی بود که برای حفظ سرمایه از شر تداوم انقلاب ۵۷ صورت گرفت. منظور این نیست که احزاب و سازمان ها و اشخاصی که در این سال ها مشمول سرکوب و حذف و خلع ید از قدرت شدند همه مخالف سرمایه بودند. این ها حذف و سرکوب شدند تا رژیم نوحاسته هم قدرت سیاسی را به انحصار کامل خود درآورد و هم، مهم تر از آن، با ایجاد فضای رعب و وحشت و سرکوب و اختناق مانع خودآگاهی مخالفان واقعی سرمایه یعنی کارگران شود، شوراهای کارگری را منحل کند و تشکل های دست نشانده خود را برای مهار و سرکوب هرگونه حرکت سرمایه ستیز در مراکز کار و تولید مستقر سازد.

به یمن اقدامات سرکوبگرانه فوق، سرمایه از گزند انقلاب درامان ماند و حتی برای حصول اطمینان از انحصار قدرت سیاسی در جهت مبارزه هرچه کارآمدتر با ادامه انقلاب، چندین هزار زندانی سیاسی بی دفاع در تابستان ۱۳۶۷ به جوخه های اعدام و چوبه های دار سپرده شدند. پس از پایان جنگ ایران و عراق، مسئله بازسازی و ترمیم اقتصادی سرمایه انقلاب دیده و جنگ دیده در دستور کار جمهوری اسلامی قرار گرفت و دولت «سازندگی» سرمایه به زعامت هاشمی رفسنجانی تشکیل شد. وظیفه این دولت آن بود که جامعه را از حال و هوای سیاسی سال های اول انقلاب و نیز فضای نظامی جنگ بیرون آورد و با بازسازی این رابطه از نظر اقتصادی ضمن حفظ روبنای اسلامی اش آن را روی غلتک متعارف و معمول کشورهای سرمایه داری بیندازد. از سوی دیگر، سرمایه جهانی نیز که با نگاه مثبت به موفقیت جمهوری اسلامی در مهار انقلاب به سرمایه گذاری در بازار نیروی کار شبه رایگان چند ده میلیونی و مواد اولیه به ویژه سوخت ارزان ایران چشم دوخته بود، به این سمت گیری جمهوری اسلامی لبیک گفت و وارد مذاکره و بده بستان با او شد. از یک سو، منابع مالی اعتباری عظیم خود را برای بازسازی اقتصادی رابطه لطمه دیده سرمایه در اختیار جمهوری اسلامی قرار داد و، از سوی دیگر، این رژیم را موظف کرد که با اجرای سیاست های نولیبرالی به ویژه خصوصی سازی و کاهش دامنه فعالیت اقتصادی دولت، زمینه را برای سرمایه گذاری خارجی و سوداندوزی سرمایه داران خارجی فراهم کند. بر این دو سمت گیری سرمایه دارانه داخلی و خارجی، تشدید استثمار بیش از پیش طبقه کارگر و اعمال توحش بی حد و مرز بر کارگران از راه هایی چون خارج کردن کارگاه های زیر ۵ و سپس زیر ۱۰ نفر از شمول قانون کار، فروش بسیاری از کارخانه ها به «بخش خصوصی» و اخراج و بیکاری گسترده کارگران این کارخانه ها با هدف ایجاد یک ارتش دخیره کار چند ده میلیونی بود.

ناکامی سیاست های میانه روانه و درعین حال مافیایی دولت رفسنجانی، که ملغمه ای بود از دو گرایش سرمایه دارانه لیبرالی - غربی و آمرانه -



شرقی، باعث جدایی و رویارویی آشکار این دو گرایش در حاکمیت سرمایه داری ایران شد. گرایش لیبرالی - غربی، که بعداً به «اصلاح طلبی» معروف شد و بر تقدم ترمیم و بازسازی رابطه سرمایه از نظر سیاسی تاکید می کرد، توانست بر موج مخالفت توده های مردم با جمهوری اسلامی سوار شود و در انتخابات ریاست جمهوری در دوم خرداد ۱۳۷۶ رقیب خود را در حاکمیت شکست دهد، بی آن که بتواند عرصه های اصلی و تعیین کننده قدرت سیاسی همچون رهبری، نیروهای مسلح، قوه قضاییه و زندان ها را از چنگ آن درآورد. اما ۸ سال حکومت ناکام این جریان بار دیگر به همه نشان داد که توسعه سیاسی سرمایه دارانه و استقرار دموکراسی لیبرالی بر بستر استثمار وحشیانه نیروی کار شبه رایگان کارگران ایران خواب و خیالی بیش نیست و جریان سرمایه دارانه ای که از گوشت و خون کارگر ارزان و بی حقوق ایران تغذیه می کند نمی تواند کوچک ترین قدمی برای کنار زدن استبداد سیاسی و استقرار دموکراسی لیبرالی بردارد. شکست این جریان راه را برای توحش هار و لجام گسیخته جریان سرمایه دارانه آمرانه - شرقی حاکمیت هموار ساخت و این جریان با پشتوانه نیروهای نظامی در سپاه پاسداران و بسیج و نیز قوه قضاییه و زندان ها توانست در جنگ قدرت بر سر دولت و مجلس نیز هم «اصلاح طلبان» و هم جریان میانه هاشمی رفسنجانی هر دو را با هم شکست دهد. راهبرد این جریان برای بازسازی و ترمیم سرمایه از همان ابتدا بر الگوی توسعه آمرانه سرمایه داری به سبک چینی - کره ای مبتنی بود، یعنی بستن فضای سیاسی و سرکوب هرگونه فعالیت سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و مطبوعاتی از یک سو و مدیریت نظامیان لباس شخصی در زمینه فعالیت های اقتصادی اعم از دولتی و غیردولتی از سوی دیگر. حاکمیت این جریان بر دولت و مجلس در سال های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸، که با شعارهای عوام فریبانه «عدالت» و «مهرورزی» به قدرت رسیده بود، ماهیت سرمایه دارانه و ضدکارگری آن را بیش از پیش عیان ساخت و به توده کارگران نشان داد که «عدالت» ی که بر استبداد سیاسی ولایت مطلقه فقیه و تسمه کشیدن نظامیان از کرده کارگران مبتنی باشد دروغی بیش نیست. با این همه، این جریان به رغم رسوایی اش، همچون انتخابات سال ۱۳۷۶ از میدان به در نرفت و با تقلب گسترده در انتخابات خرداد ۱۳۸۸ نه تنها باز هم بر اریکه قدرت دولتی تکیه زد بلکه به ضرب قدرت نظامی اش «اصلاح طلبان» را به طور کامل از قدرت سیاسی بیرون کرد و حتی بسیاری از سران آن ها را به زندان انداخت، فرایند جنگ قدرتی که همچنان ادامه دارد. این تقلب، چنان که می دانیم، بهانه ای شد برای سرریز انفجارگونه خشم فروخته میلیون ها انسانی که از ستم سرمایه به جان آمده اند، خشمی که ماه ها ادامه داشت و هر لحظه امکان دارد که باز هم سر باز کند.

بدین سان، جریان نظامی - امنیتی حاکم هم اصلاح طلبان را از قدرت بیرون انداخته و هم توانسته است اعتراضات خیابانی مردم را مهار کند. بر چنین بستری است که این جریان هم اکنون می خواهد - و در واقع مجبور است - بازسازی و ترمیم سرمایه بحران زده را، که او نام «طرح تحول اقتصادی» بر آن گذاشته است، به اجرا درآورد. نخستین مرحله این طرح همان «هدفمندسازی یارانه ها» است که مدت هاست از آن سخن می رود اما تا کنون به مرحله اجرا درنیامده است. این طرح، پس از تصویب در مجلس در سال گذشته، قرار بود از اول امسال (۱۳۸۹) اجرا شود. اما دولت اجرای آن را ۶ ماه عقب انداخت. این ۶ ماه دو هفته است که به پایان رسیده اما باز هم از اجرای طرح خبری نیست. نه تنها خبری نیست، بلکه پیش از آن که مردم کوچک ترین اطلاعی از چند و چون آن داشته باشند و قبل از آن که بابت آن دیناری یارانه نقدی به دست کسی رسیده باشد، مردم مخاطب قرار گرفته اند که اگر به آن اعتراض کنند سرکوب خواهند شد!! فرمانده کل نیروی انتظامی جمهوری اسلامی گفته است: «نیروی انتظامی در اجرای طرح های تحول اقتصادی در کنار دولت و در جهت اجرای قانون خواهد بود... کسانی که می خواهند با تکیه بر فشارهای اقتصادی دشمن حلقه مکمل آن در کشور باشند، باید بدانند که با آن ها برخورد خواهد شد.» همین تهدید فرمانده نیروی انتظامی نشان می دهد که شکست این طرح حتی برای خود جمهوری اسلامی از پیش معلوم است. این خط و نشان کشیدن نشان می

دهد که جمهوری اسلامی خود می داند که این طرح با اعتراض مردم رو به رو خواهد شد. این دست و آن دست کردن رژیم برای اجرای این طرح هم دقیقاً به همین دلیل است. جمهوری اسلامی خوب می داند که یارانه نقدی ناچیزی که می خواهد به مردم بدهد (در واقع به حساب مردم می ریزد بی آن که مردم تا زمان گران کردن کالاهای اساسی توسط دولت حق برداشت آن را داشته باشند) همچون برف در مقابل آفتاب تموز به هیچ وجه تاب مقاومت در برابر امواج سرکش و بی مهار گرانی کالاها را نخواهد داشت و، از همین رو، مردم جان به لب رسیده از فشار اقتصادی به شکل های مختلف به آن اعتراض خواهند کرد. و این اعتراض دیگر از مقوله اعتراض به تقلب در انتخابات نیست، هرچند در آن مورد نیز این فقط یک بهانه بود. این بار دیگر مردم به این گونه بهانه ها هم نیازی ندارند. این بار دیگر شکم گرسنه است که به خیابان خواهد آمد. و هراس جمهوری اسلامی و آنچه او را به خط و نشان کشیدن واداشته است نیز از همین است. شکست طرح های جمهوری اسلامی برای بازسازی رابطه لطمه دیده و بحران زده سرمایه یکی پس از دیگری نشان می دهد که تحول و دگرگونی جامعه ایران نه از راه رشد و توسعه سرمایه داری بلکه، درست برعکس، از مسیری یکسره ضدسرمایه داری می گذرد. جامعه ایران هر چه می کشد از دست رابطه اجتماعی سرمایه می کشد و تا زمانی که تنها طبقه ضدسرمایه داری جامعه یعنی طبقه کارگر دست به ریشه این رابطه نبرد، با افق ضدیت و الغای این رابطه خود را متشکل نسازد و در گام نخست برای افزایش توان مادی و فکری خود در جهت انقلاب علیه سرمایه مطالبات ضدسرمایه داری خویش را - که همان مطالبات اکثریت مطلق مردم است - متحقق نکند، تحول و دگرگونی جامعه ایران امری به کلی محال است.

خبرنامه کارگری

را بخوانید و در میان مردم

پخش کنید